

ایلیاہ — نمبر سات

اول و آخر

Jeff Pippenger

2023-10-07

مور ۱۸۶۳ د هغو ازموینو په لړۍ کې د وروستي ازموینیز ټکي په توګه پېژنو چې د ۱۸۴۴ د لویې نهیلۍ پر مهال پیل شوې وې. زموږ د استدلال لومړۍ برخه دا حقیقت دی چې د میلریتي خوځښت هغه مهال پای ته ورسېد کله چې د اوومې ورځې اډون ټیسټ کلیسا په هماغه کال د متحده ایالاتو له حکومت سره په قانوني توګه ثبت شوه. هغه خوځښت چې په نبوي توګه په ۱۷۹۸ کې پیل شوی و، په ۱۸۶۳ کې پای ته ورسېد.

الهام به ما می‌آموزد که هنگامی که فرشته مقتدر مکاشفه هجده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد، این رویداد پیش‌تر در جنبش میلری، آنگاه که فرشته مکاشفه ده فرود آمد، به صورت نمادین پیش‌نموده شده بود. جنبش میلری در زمان آخر، در سال ۱۷۹۸، آغاز شد؛ هنگامی که رؤیای نهر اولای در دانیال فصل‌های هشت و نه گشوده شد. جنبش یکصد و چهل و چهار هزار در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، آغاز شد؛ هنگامی که رؤیای نهر حداقل در سه فصل پایانی دانیال گشوده شد.

هر دو زمان انتها، جدایی تدریجی قوم برگزیده پیشین را از کسانی که در جنبش تاریخ‌های respective ایشان بودند، آغاز کردند. هنگامی که قاعده اصلی هر تاریخ به طور علنی تأیید شد، فرشته هر تاریخ respective فرود آمد. پیام، جنبش و پیام‌آور، ابزارهایی بودند که خداوند در هر تاریخ respective به کار گرفت تا گناه قوم برگزیده پیشین را آشکار سازد؛ زیرا همان‌گونه که مسیح درباره کار خود تعلیم داد، اگر او نیامده بود، یهودیان خرده‌گیر تاریخ گناهی نمی‌داشتند. پیام‌آور، پیام و جنبش، ابزارهای داوری بودند که قوم برگزیده پیشین را به سبب رد کردن نور تدریجی تاریخ‌های respective ایشان مسؤول می‌ساختند، و هنگامی که فرشته فرود آمد، این نشان می‌داد که روند داوری قوم عهد پیشین آغاز شده است. ابزار داوری هنگامی شناسایی می‌شود که انبیایی که آن تاریخ را به تصویر می‌کشند، پیامی را که خداوند به ایشان رسانیده است، می‌خورند. چون پیام را می‌خورند، آنگاه آن پیام را نزد قوم برگزیده پیشین می‌برند که به صورت قومی سخت‌گردن و یاغی ترسیم شده‌اند، که نه خواهند شنید و نه بازگشت خواهند کرد. به محض آنکه فرشته فرود آید و پیام خورده شود، داوری آن قوم یاغی آغاز می‌گردد.

ما روند داوری اسرائیل باستان را، چنان‌که در کتاب اعداد به تصویر کشیده شده است، بر تاریخ جنبش میلری به کار می‌بندیم و در نهایت، این فرایند آزمون را بر جنبش صد و چهل و چهار هزار نیز اعمال خواهیم کرد. نمادپردازی عدد «ده» باید بر پایه بافت همان بخشی که در آن به کار رفته است، تعیین شود.

دس آزمائشوں کا سلسلہ مایوسی سے شروع ہوتا ہے، خواہ قدیم اسرائیل کے لیے بحرِ قلزم پر، یا ملیریوں کے لیے 22 اکتوبر 1844ء کو۔ سسٹر وائٹ ان "نشانِ راہ" حقائق کی نشان دہی کرتی ہیں جو اُس وقت منکشف ہوئے، اور اُن کا آغاز اُس چیز سے ہوتا ہے جسے انہوں نے "وقت کے گزر جانے" کے نام سے موسوم کیا۔ عبرانیوں کے لیے مایوسی فرعون کے لشکر کے خطرے کی صورت میں تھی۔ خدا کی قدرت پر عبرانیوں کے ایمان کی کمی ان کے دشمنوں کے لشکر کے خوف کے جواب میں ظاہر ہوئی، بالکل اسی طرح جیسے دسویں اور آخری آزمائش میں ہوا۔ یسوع ابتدا ہی سے انتہا کو واضح کرتا ہے، اس لیے موعودہ سرزمین میں دیو قامت لوگوں کا خوف، جس کی نشان دہی دس جاسوسوں نے کی، وہی خوف تھا جس نے بحر

قلزم پر اُن کی مایوسی بھی پیدا کی تھی۔ ملیری تحریک کے لیے دسویں اور آخری آزمائش ایک زمانی پیشین گوئی ہوتی، جیسا کہ 22 اکتوبر 1844ء تھا۔

مایوسی عظیم در جریانِ آزمون تدریجی تاریخِ ملیری، آغازِ تاریخی را رقم زد کہ به روشنی به وسیلہٴ رهایی اسرائیل باستان از مصر پیش‌نمون شده بود۔ از دریای سرخ آغاز شد و رشته‌ای از ده آزمون در پی آمد، و آخرین آزمون بازتابِ نخستین آزمون می‌بود۔ «سپری شدنِ زمان» در هنگامِ مایوسی عظیم، از بدفہمی یک نبوتِ زمانی پدید آمد۔ آخرین مرحله از فرایندِ آزمون برای اسرائیل روحانی همانندِ نخستین آن می‌بود۔ در سال 1863، رہبرانِ اسرائیل ظاہری برگزیدند کہ به روش‌شناسی کتاب مقدس کسانی بازگردند کہ به تازگی ایشان را دخترانِ روم شناخته بودند، و طولانی‌ترین نبوتِ زمانی کتاب مقدس را رد کردند، یا می‌توان گفت بد فهمیدند۔ پایانِ ده آزمون، ہم در اسرائیل ظاہری و ہم در اسرائیل روحانی، به وسیلہٴ آغازِ آن به تصویر کشیده شده بود۔ و در پایان، در هر دو مورد، عاصیانِ میلی را آشکار ساختند برای بازگشت به همان جایی کہ به تازگی از آن رهایی یافته بودند۔

با ردِّ الأزمنة السبع في اللاويين، الإصحاح السادس والعشرين، أوجدت الأدفنتية اللاووكية معضلةً نبويةً لم تكن قد توقعتها. وإلى هذا اليوم لم تتمكن من حل هذه المعضلة، مع أنها تقدّم لتلك الغاية أطباقاً شتّى من الخرافات. وتكمن المعضلة في الآية التي تحددها الأخت وايت باعتبارها الأساس والركن المركزي للأدفتية.

«آن آیه از کتاب مقدس کہ بیش از همهٴ آیات دیگر، ہم بنیاد و ہم ستون مرکزی ایمانِ ادونتی بود، این اعلان بود: «تا دو ہزار و سیصد روز؛ آنگاہ مقدس پاک خواهد شد.» [دانیال ۸:۱۴] نبرد عظیم، ۴۰۹

ادونتیسزم دربارهٴ آیهٴ چہاردهم سخن بسیار دارد، اما ہرگز بہ نخستین نکته‌ای کہ باید دربارهٴ این آیه مورد توجہ قرار گیرد نمی‌پردازد۔ آن نکته این است کہ آیهٴ چہاردهم یک «پاسخ» است۔ پاسخ، اگر پرسشی را کہ آن پاسخ را برمی‌انگیزد در بر نداشته باشد، بی‌معناست۔ آیهٴ سیزدهم را نمی‌توان از نظر منطقی، دستوری یا معقول از آیهٴ چہاردهم جدا ساخت، زیرا آیهٴ سیزدهم پرسش است و آیهٴ چہاردهم پاسخ۔

یہ سوال، جب درست اور منصفانہ طور پر پیش کیا جائے، تو آیت چودہ کے لیے اس معنی سے بالکل مختلف مفہوم پیدا کرتا ہے جو ایڈونٹ ازم سکھاتا ہے۔ اس کا یہ مطلب نہیں کہ آیت چودہ "ایڈونٹ ایمان کی بنیاد اور مرکزی ستون" نہیں ہے، کیونکہ وہ ہے۔ اس کا مطلب یہ ہے کہ جب ایڈونٹ ازم نے 1863 میں "سات زمانوں" کو غلط سمجھا اور ایک طرف رکھ دیا، تو وہ آیت چودہ کے حقیقی معنی کو پوری طرح متعین کرنے سے قاصر رہے۔ صحائف میں آدھا سچ، سچ نہیں ہوتا۔ درست طور پر سمجھا جائے تو آیت تیرہ کا سوال اُس نبوت کے اقرار کا تقاضا کرتا ہے جو اُس مقدس کے پاک کیے جانے کو نشان زد کرتی ہے جسے پامال کیا گیا تھا، اور ساتھ ہی اُس نبوت کے اقرار کا بھی جو لشکر کے پامال کیے جانے کو نشان زد کرتی ہے۔ دو ہزار تین سو سال کی نبوت "مقدس" سے متعلق ہے، اور دو ہزار پانچ سو بیس سال کی نبوت "لشکر" سے متعلق ہے۔

برای پرداختن به رابطهٴ این دو آیه، بررسی‌ای مفصل لازم است کہ در این مقطع، در این مقالات، قصد انجامِ آن را ندارم۔ این نکات در طول سال‌ها بارها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و می‌توان آن‌ها را در مجموعهٴ Habakkuk's Tables یافت۔ من همچنان در حال پرداختن به نمادگرایی ایلیا هستم و مایلم نخست آن حقایق را به پایان برسانم۔

ویلیام میلی، ایلیای آغازِ ادونتیسزم بود، و نخستین کشف او «هفت زمان» لاویان بیست و شش بود؛ بنابراین، ردِ آن حقیقت در سال ۱۸۶۳، ردِ پیامِ ایلیا بود۔ در اینجا من به آن ویژگیِ آلفا و امگا می‌پردازم

که پایان را با آغاز یکی می‌سازد. آزمون نهایی اسرائیل باستان در آزمون نخست بازنمایی شده بود. هر دو آزمون نمایانگر این هراس بودند که امت‌های مشرک از خدا نیرومندترند. آزمون دهم، با آنکه در اصل همان بود، بسیار یاغیان‌تر از آزمون نخست بود؛ زیرا تاریخ پیروزی خدا در آزمون نخست می‌بایست در شورشیان اطمینانی استوار پدید می‌آورد. آنان رد خود نسبت به خدا را با وجود شواهدی بسیار بیشتر از قدرت او نسبت به آنچه در کنار دریای سرخ داشتند، آشکار ساختند. ادونتیسملی تا سال ۱۸۶۳ از پیش توضیح می‌داد که چرا ناامیدی عظیم کاری نیرومند از جانب خدا بود، با این حال ایشان همچنان تصمیم گرفتند برای خود رئیسی برگزینند و به مصر بازگردند و آن پیامی را رد کنند که دانیال آن را «قسم» موسی می‌خواند؛ همان پیامی که به وسیله ایلایا بازنمایی شده بود.

به جای آن که وقت صرف کنم تا براهین اعتبار «هفت زمان» را به عنوان یک نبوت زمانی عرضه نمایم، قصد دارم با بهره‌گیری از منطقی ساده، اعتبار آن را از راهی دیگر اثبات کنم. برای جنبشی که در سال ۱۷۹۸ آغاز شد، آزمون نهایی سال ۱۸۶۳ همچنین آزمون نهایی برای جنبش فرشته نیرومند مکاشفه هجده را نیز نمایندگی می‌کرد. الهام به روشنی تمام بیان کرده است که آخرین آزمون برای هر دو جنبش چیست.

«شیطان... پیوسته امر جعلی را پیش می‌فشارد تا انسان‌ها را از حقیقت منحرف سازد. واپسین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر گرداند. «جایی که رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شوند» (امثال ۲۹:۱۸).» Selected Messages, book 1, 48.

هیچ راه صادقانه‌ای برای برداشت از نوشته‌های الن وایت وجود ندارد که بر اساس آن بتوان ادعا کرد او «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش را به طور کامل تأیید نکرده است. خواهر وایت، چنان‌که پیش‌تر در این مقالات نشان داده‌ایم و در مجموعه‌ای با عنوان «جدول حقوق» به خوبی مستند شده است، مستقیماً به ما اطلاع می‌دهد که خداوند هم نمودار ۱۸۴۳ و هم نمودار ۱۸۵۰ را هدایت کرده بود. او به صراحت تعلیم می‌دهد که آن دو جدول، تحقق فصل دوم کتاب حقوق بودند. هر دو نمودار، «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش را به عنوان نقطه مرکزی آرایش ترسیمی مربوط به خود مشخص می‌کنند. در هر دو نمودار، خط «هفت زمان» دارای صلیب مسیح به عنوان مرکز خط نبوی «هفت زمان» است.

علاوه بر تأییدهای او نسبت به دو لوح حقوق، او بارها ثبت کرده است که ما باید همچنان همان پیامی را ارائه کنیم که از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ ارائه شد؛ و هر مورخ ادونتیسملی که به این می‌پردازد که میلی‌ها چگونه پیامی را که اعلام می‌کردند ترویج نمودند، تصریح می‌کند که آنان از نمودار ۱۸۴۳ استفاده کردند. او نه تنها پیام‌های به تصویر کشیده شده بر روی نمودارها را تأیید می‌کند و قوم خدا را اندرز می‌دهد که همچنان دقیقاً همان پیام‌هایی را ارائه کنند که در آن تاریخ ارائه شده بود، بلکه همچنین بخش‌های متعددی فراهم می‌آورد که در آنها هشدار می‌دهد آن پیام‌ها در سراسر تاریخ قوم باقی‌مانده خدا مورد هجوم قرار خواهند گرفت. هنگامی که او از آن حملات هشدار می‌دهد، بارها تصریح می‌کند که دفاع از همان حقایق، کار دیدبانان خداست.

اگر نمودارها نادرست باشند، آنگاه پیام‌هایی که آن‌ها به صورت تصویری بازنمایی می‌کنند نیز نادرست‌اند. اگر پیامی که میلی‌ها از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ اعلام کردند نادرست بود، پس تصریح مکرر الن وایت مبنی بر اینکه پیام میلی بنیاد بود نیز نادرست است. اگر آن پیام‌ها نادرست بودند، فرمان‌های مکرر او برای ادامه ارائه همان حقایق نیز اندرز کاذب است. اگر پیام میلی‌ها نمایانگر بنیادهایی نباشد که می‌بایست از حملات شیطانی حفظ و پاسداری شوند، پس آن اندرزها نیز خطا هستند. رسیدن به این نتیجه که تمامی این مسائل مرتبط با پیام ایلایا در آن تاریخ خطاست، به روشنی ثابت می‌کند که الن وایت نبی‌ای کاذب بوده است.

ادونتيسم معاصر همچنان در سمينارهای مکاشفۀ خود تعليم می‌دهد که کلیسای باقی‌مانده دارای روح نبوت خواهد بود، که همان شهادت عیسی است؛ اما بی‌ترديد به کسانی که می‌کوشند آنان را به عضویت کلیسا درآورند، نمی‌گویند که تأیید و هشدارهای الن وایت را، که به آن حقایق بنیادین اولیه و تاریخ مرتبط است، به‌طور کامل رد می‌کنند. عبارت زیر برای شما چه معنایی دارد؟

«ما را از آینده هیچ بیمی نیست، جز آن‌گاه که راهی را که خداوند ما را در آن هدایت کرده است، و تعليم او را در تاریخ گذشته‌مان، از یاد ببریم.» Life Sketches, 196.

در سال ۱۸۶۳، جنبش میلری به نقطۀ پایان خود رسید و نزد حکومتی که در نهایت تصویری از پاپیت پدید می‌آورد، به‌عنوان یک نهاد حقوقی به ثبت رسید؛ و این، بنا بر تعریف الن وایت، همان پیوند کلیسا با دولت است.

«در جنبش‌هایی که اکنون در ایالات متحده در جریان است تا برای نهادها و رسوم کلیسا حمایت دولت را تأمین کنند، پروتستان‌ها در گام‌های پاپ‌گرایان گام برمی‌دارند. بلکه بیش از این، آنان در را برای پاپیت می‌گشایند تا در آمریکای پروتستان آن برتری‌ای را که در جهان قدیم از دست داده است، باز یابد.» نبرد عظیم، 573.

با این فرض که پیوند حقوقی با حکومت بخشی از ضرورت سازمان‌یافتگی بود، در زمانی که جوانان ملت به کشتار خونینی که به جنگ داخلی معروف بود فراخوانده می‌شدند، جنبش میلری پایان یافت. در سال ۱۸۶۳، کلیسای ادونتيسم روز هفتم، هم با مقاله‌ای چاپی و هم با جدولی جدید، نبوت برده‌داری را که دانیال آن را «سوگند موسی» می‌خواند، رد کرد. در سال ۱۸۵۰، خداوند قوم خود را هدایت کرده بود تا جدول دوم حقوق را بسازند و خطایی را که او بر جدول ۱۸۴۳ دست خود را بر آن نگاه داشته بود، اصلاح کنند. جدولی که در سال ۱۸۵۰ دستور داده شد، مقصود خود را به‌طور کامل به انجام رساند، زیرا الن وایت گفت که او دید «که خدا در انتشار جدول بود»، و در عین حال همچنین تصریح کرد که جدول ۱۸۵۰ در فصل دوم حقوق شناسانده شده بود.

مقصود چارث ۱۸۵۰ ویی تھا جو چارث ۱۸۴۳ کا تھا۔ اسے ایک تبشیری وسیلہ ہونا تھا، جس کے ذریعے تیسرے فرشتے کا پیغام ایک مرتی ہوئی دنیا کے سامنے پیش کیا جائے۔ ۱۸۶۳ میں، اس پیغام کو ترک کر دیا گیا۔ آزمائش کا وہ عمل، جس کی تمثیل اُس آزمائشی عمل سے ہوتی ہے جو بحرِ قلزم پر شروع ہوا تھا، اُس وقت کی نبوت سے شروع ہوا جو دانی ایل آٹھ کی آیت تیرہ میں اُس مقدس کی نشان دہی کرتی تھی جسے پامال کیا جانا تھا، اور آزمائش کا یہ عمل اُس وقت کی نبوت پر ختم ہوا جو دانی ایل آٹھ کی آیت تیرہ میں اُس لشکر کی نشان دہی کرتی تھی جسے پامال کیا جانا تھا۔

سپس شنیدم کہ یکی از قدیسان سخن می‌گفت، و قدیسی دیگر به آن قدیسی کہ سخن می‌گفت، گفت: این رؤیا دربارهٔ قربانی دائم و عصیان ویرانگر تا به کی خواهد بود، کہ هم مقدس و هم لشکر به پایمال شدن سپرده شوند؟ و او به من گفت: تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه مقدس تطہیر خواهد شد. دانیال ۸: ۱۳، ۱۴

آزمایش چپ د ۱۸۴۴ کال د اکتوبر په ۲۲ مه پیل شو، د الفا او اوميگا نښه پر ځان لري. د هغه ازمايښتي بهير پيل يوه زماني نبوت و چې د هغه مقدس ځای استازيتوب يې کاوه چې تر پښو لاندې کېدونکی و. دا داسې نبوت و چې د پوره کېدو پر مهال يې لويه رڼا پيدا کړه. هغه ازمايښتي بهير چې په ۱۸۶۳ کال کې پای ته ورسېد، د الفا او اوميگا نښه پر ځان لري. د هغه ازمايښتي بهير پای يوه زماني نبوت و چې د هغه لښکر استازيتوب يې کاوه چې تر پښو لاندې کېدونکی و. دا داسې نبوت و چې طرحه شوی و څو د پوره کېدو پر مهال لويه رڼا پيدا کړي. دا يوه زماني نبوت و چې د هغې تاريخچې د ايليا له خوا وړاندې شوی و، او کله چې رد شو او يو اړخ ته کېښودل شو، لويه تياره يې راپيدا کړه.

اور یہ سزا کا سبب ہے کہ نور دنیا میں آیا، مگر لوگوں نے نور کی نسبت تاریکی کو زیادہ پسند کیا، کیونکہ اُن کے اعمال برے تھے۔ یوحنا 3:19۔

منطقی کہ قصد دارم این مقاله را با آن به پایان برسانم، همان است که پیشتر بدان اشاره کرده‌ام. آیا خدا از طریق الن وایت، نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ را تأیید کرد؟

”میں نے دیکھا ہے کہ 1843 کا چارٹ خداوند کے ہاتھ کی ہدایت سے بنایا گیا تھا، اور یہ کہ اسے تبدیل نہیں کیا جانا چاہیے؛ کہ اعداد و شمار ویسے ہی تھے جیسے وہ چاہتا تھا؛ کہ اُس کا ہاتھ اُن میں سے بعض اعداد کی ایک غلطی پر تھا اور اسے پوشیدہ رکھے ہوئے تھا، تاکہ جب تک اُس کا ہاتھ ہٹایا نہ گیا، کوئی اسے دیکھ نہ سکے۔“ Early Writings, 74.

»دیدم کہ خدا در انتشار نمودار به وسیلہٴ برادر نیکولز حضور داشت. دیدم کہ در کتاب مقدس، نبوتی دربارهٴ این نمودار وجود داشت، و اگر این نمودار برای قوم خدا در نظر گرفته شده است، اگر برای یکی کافی است، برای دیگری نیز کافی است؛ و اگر یکی نیاز داشت کہ نموداری تازه در مقیاسی بزرگتر ترسیم شود، همه نیز به همان اندازه به آن نیاز دارند. «Manuscript Releases, شماره 13، 359؛ 1853.

آیا خدا از طریق الن وایت پیامی را کہ میلری‌ها در خلال تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ عرضه کردند، تأیید کرد؟

»خداوند پیام تازه‌ای به ما نمی‌دهد. ما باید همان پیامی را اعلام کنیم کہ در سال‌های 1843 و 1844 ما را از دیگر کلیساها بیرون آورد. «Review and Herald, January 19, 1905.

»خداوند به ما فرمان می‌دهد کہ وقت و نیروی خود را به کار موعظهٴ آن پیام‌هایی به مردم اختصاص دهیم کہ در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ مردان و زنان را برانگیخت. «Manuscript Release, Number 760

»همهٴ پیام‌هایی کہ از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شدند، اکنون باید با قوت اعلام شوند، زیرا بسیاری از مردم جهت‌گیری خود را از دست داده‌اند. این پیام‌ها باید به همهٴ کلیساها برسند.»

مسیح فرمود: «خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا ہرآینہ به شما می‌گویم کہ بسیاری از انبیا و مردان عادل آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید، ببینند و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند» [متی ۱۳:۱۶، ۱۷]. خوشا به حال چشمانی کہ چیزهایی را دیدند کہ در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیدہ شد.

»پیام داده شد. و در تکرار این پیام نباید هیچ تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق‌اند؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به زودی پیامی به تعیین خدا داده خواهد شد کہ به فریادی بلند اوج خواهد گرفت. آنگاه دانیال در جایگاه خود خواهد ایستاد تا شہادت خویش را بدهد. «Manuscript Releases, جلد 21، 437.

»حقایقی کہ در سال‌های 1841، 1842، 1843 و 1844 دریافت کردیم، اکنون باید مورد مطالعه قرار گیرند و اعلام شوند. پیام‌های فرشتہٴ اول، دوم و سوم در آیندہ با آوازی بلند اعلام خواهند شد. آنها با عزمی جدی و در قدرت روح ابلاغ خواهند گردید. «Manuscript Releases, جلد 15، 371.

»ما ضعف و کوچکی کنونی کار را درک می‌کنیم. ما تجربہ‌ای داشته‌ایم. در انجام کاری کہ خدا به ما سپرده است، می‌توانیم با اعتماد پیش رویم، با این اطمینان کہ او کارآمدی ما خواهد بود. او در سال 1906 با ما خواهد بود، همان‌گونه کہ در 1841، 1842، 1843 و 1844 با ما بود. «Loma. Linda Messages, 156

«کسانی که در مؤسسات ما به عنوان معلّمان و رهبران ایستاده‌اند، باید در ایمان و در اصول پیام فرشته سوم راسخ باشند. خدا می‌خواهد قوم او بدانند که ما این پیام را همان‌گونه که او در سال‌های 1843 و 1844 به ما عطا کرد، در اختیار داریم.» 1 General Conference Bulletin، آوریل 1903.

«هشدار داده شده است: نباید اجازه داده شود چیزی وارد شود که بنیاد ایمان را، که از زمانی که پیام در سال‌های 1842، 1843 و 1844 آمد بر آن بنا کرده‌ایم، برهم زند. من در این پیام بوده‌ام، و از آن زمان تاکنون در برابر جهان ایستاده‌ام و به نوری که خدا به ما داده است وفادار مانده‌ام. ما قصد نداریم پاهای خود را از آن سکویی برداریم که بر آن نهاده شدند، در حالی که روزبه‌روز با دعای جدی خداوند را می‌طلبیدیم و در پی نور بودیم. آیا گمان می‌کنید که من بتوانم نوری را که خدا به من داده است واگذارم؟ آن نور باید همچون صخره اعصار باشد. از زمانی که به من داده شده است، همواره راهنمای من بوده است.» Review and Herald, April 14, 1903.

آیا خدا از طریق الن وایت به قوم خویش هشدار داد که در برابر حملاتی که حقایق تاریخ میلری را تضعیف می‌کرد، دفاع کنند؟

«نشان‌های بزرگ حقیقت، که جایگاه ما را در تاریخ نبوی به ما نشان می‌دهند، باید با دقت محافظت شوند، مبادا فرو افکنده شوند و به جای آن‌ها نظریه‌هایی قرار گیرد که به جای نور راستین، سردرگمی به بار آورند.» Selected Messages, book 2, 101, 102.

«امروز شیطان در پی فرصت‌هایی است تا نشانه‌های راه حقیقت را فرو ریزد—آن یادمان‌هایی را که در طول راه برافراشته شده‌اند؛ و ما به تجربه کارگران سالخورده‌ای نیازمندیم که خانه خود را بر صخره استوار بنا کرده‌اند و در میان بدنامی همچون نیک‌نامی، نسبت به حقیقت ثابت قدم مانده‌اند.» Gospel Workers, 104.

خدا هرگز جهان را بی‌آن‌که مردانی در آن باشند که بتوانند میان نیک و بد، عدالت و بی‌عدالتی تمییز دهند، وا نمی‌گذارد. خدا مردانی دارد که ایشان را گماشته است تا در اوقات اضطرار در صف مقدم نبرد بایستند. در هنگام بحران، او مردانی را برخواهد انگيخت، همان‌گونه که در روزگاران کهن چنین کرد. جوانان فراخوانده خواهند شد تا با پرچمداران سالخورده همگام شوند، تا به واسطه تجربه این وفاداران، که از میان نبردهای بسیار گذشته‌اند و خدا از طریق شهادت‌های روح خود بارها با ایشان سخن گفته است، تقویت و تعلیم یابند؛ همان خدایی که راه راست را نشان داده و راه نادرست را محکوم ساخته است. هنگامی که خطرهای پدید آید که ایمان قوم خدا را بیازماید، این پیشگامان خدمت باید تجربه‌های گذشته را بازگو کنند، زمانی را که بحران‌هایی درست از همین دست رخ نمود، آنگاه که حقیقت مورد تردید قرار گرفت، و احساسات و اندیشه‌های بیگانه‌ای که از خدا نبود، به میان آورده شد.

«اکنون تجربه آن کارگران سالخورده مورد نیاز است؛ زیرا شیطان هر فرصتی را زیر نظر دارد تا نشانه‌های کهن راه را—یادبودهایی را که در طول راه برپا شده‌اند—بی‌اعتبار سازد.» ریویو اند هرالد، ۱۹ نوامبر ۱۹۰۳.

در سال ۱۸۶۳، جنبش میلری با ردّ نخستین حقیقتی که ایلپای آن تاریخ به درک آن هدایت شده بود، به پایان رسید. آزمون نهایی آن بر دو آیه در دانیال فصل هشت استوار بود که پایمال شدن، قدس و لشکر را مشخص می‌سازند. نور قدس در نخستین ده آزمون گشوده شد، و تاریکی بر لشکر در آخرین ده آزمون آورده شد.

«یک چیز قطعی است: آن دسته از ادونتیست‌های روز هفتم که موضع خود را زیر بیرق شیطان اختیار می‌کنند، نخست ایمان خویش را به هشدارها و توبیخ‌های مندرج در شهادت‌های روح خدا

و خواهند نهاد.

ندای وقفِ بیشتر و خدمتِ مقدّس‌تر در حال داده شدن است و همچنان داده خواهد شد. برخی از آنان که اکنون القائنات شیطان را بر زبان می‌آورند، به خود خواهند آمد. کسانی در مناصب مهم امانت و اعتماد هستند که حقیقتِ مخصوص این زمان را درک نمی‌کنند. پیام باید به ایشان داده شود. اگر آن را بپذیرند، مسیح ایشان را خواهد پذیرفت و آنان را همکاران خود خواهد ساخت. اما اگر از شنیدن پیام سرباز زنند، جایگاه خود را زیر پرچم سیاه شاهزادهٔ ظلمت خواهند گرفت.

«به من تعلیم داده شده است که بگویم حقیقتِ گران‌بهای این زمان، هرچه بیشتر و روشن‌تر بر اذهان بشری گشوده می‌شود. به معنایی خاص، مردان و زنان باید از جسم مسیح بخورند و خون او را بنوشند. فهم و ادراک، توسعه خواهد یافت، زیرا حقیقتِ قابلیتِ گسترش پیوسته را دارد. آغازگر الهی حقیقت، به مشارکتی هرچه نزدیک‌تر و باز هم نزدیک‌تر با کسانی درخواهد آمد که برای شناختن او پیش می‌روند. چون قوم خدا کلام او را همچون نان آسمان دریافت کنند، خواهند دانست که خروج‌های او همچون صبح مهیا شده است. آنان قوتِ روحانی خواهند یافت، همان‌گونه که بدن، هنگامی که غذا خورده می‌شود، قوتِ جسمانی می‌یابد.»

«ما نقشهٔ خداوند را در بیرون آوردن فرزندان اسرائیل از بندگی مصر و هدایت ایشان از میان بیابان به کنعان، حتی به نیمه نیز در نمی‌یابیم.»

«چون پرتوهای الهی تابان از انجیل را گرد می‌آوریم، بینشی روشن‌تر نسبت به نظام یهودی خواهیم یافت و قدردانی ژرف‌تری از حقایق مهم آن به دست خواهیم آورد. کاوش ما در حقیقت هنوز کامل نیست. ما تنها چند پرتو نور را گرد آورده‌ایم. آنان که هر روزه شاگردان کلام نیستند، مسائل نظام یهودی را حل نخواهند کرد. آنان حقایقی را که از طریق خدمتِ معبد تعلیم داده شده است، درک نخواهند کرد. کار خدا به سبب درکی دنیوی از نقشه عظیم او بازداشته می‌شود. زندگی آینده معنای قوانینی را آشکار خواهد ساخت که مسیح، پوشیده در ستون ابر، به قوم خود عطا فرمود.» Spalding and Magan, 305, 306.

مور به په راتلونکې مقاله کې د ۱۸۶۳ کال په تراو د الیاس د سمبولیزم په اړه خپله څېړنه دوام ورکړو.